



۲۰۱۸/۰۷/۲۳

م. اسحاق نگارگر

وای از درد بیسوادی و نادانی

من این یادداشت را سه سال پیش در هفدهم فبروری ۲۰۱۵ نوشته بودم و به امید این که هر جوان با سواد در محیط زندگانی به جهاد با سواد ساختن عمومی برخیزد و کم از کم یک نفر بیسواد را با سواد بسازد و بدین ترتیب مردم را از شر جهل و خرافات نجات دهند. من این یادداشت را یک بار دیگر برای تان تقدیم می‌کنم. بی سوادی در هر جامعه دردیست بزرگ و درد سرریست بزرگتر. هر جامعه برای بهبودی و بهروزی به مهارت های تکنیکی و حرفه ای نیاز دارد و سواد و نیروی نوشت و خوان بر غنا و ژرفای این مهارت های تکنیکی و حرفه ای اثر مستقیم دارد و آن که با نیروی نوشت و خوان مجهز است در پرتو مطالعه و استفاده از تجربه های دیگران با سلاح تفکر انتقادی مجهز می شود و قبل از هر کار دیگر دین و آیین خود را از انحصار روحانیون و آنکه از دین قصد استفاده مادی دارند؛ نجات می دهد. ۱۷ فبروری ۲۰۱۸ نگارگر برمنگهم



دو صد سال پیش از امروز روحانیون عیسوی تلاش داشتند که دین را در انحصار خود نگاه دارند بدین دلیل سر و صدا و هیاهو می کردند که اگر قدرت سیاسی با قدرت مذهبی در اختیار روحانیون نباشد و نفوذ کلیسا بر سرپای زندگانی مسلط نگردد دین از زندگی رخت می بندد. چنانکه امروز در جوامع مسلمان برخی از روحانیون به کار جادو و جنبل رو آورده اند و می خواهند به نیروی شلاق جن را از بدن یک زن حامله بیرون آرند و فکر می کنند که جن یک پیکر محسوس و قابل لمس دارد و شلاق در بدن او کار می کند و در نتیجه با شلاق زدن جنین هشت ماهه یک زن حامله را ضایع می سازند؛ جادوگران و کشیشان عیسوی عین این کارها را می کردند. جن از مارچ نار یعنی شعله آتش آفریده شده است و شلاق زدن جن همانند شلاق زدن بر شعاع خورشید است. ولی عوام می پندارند که جن وجود قابل لمس دارد و ملا به زور تعویذ و اگر تعویذ نشد به زور شلاق می تواند آن را از وجود انسان فرار دهد. اگر مردم نمی دانند، دولت و عالمان دین میدانند که این نوعی سوء استفاده و پول سازی از راه دین است و باید جلوش را بگیرند. شاعران اروپایی در آن روزگار این گونه ریاکاری و سوء استفاده از دین را آفتابی می کردند تا بالاخره با عام شدن سواد و علم آموزی جهل عامه از میان رفت و بوریای این گونه خرافات از دین برچیده شد.

"رابرت برنز" شاعر اسکاتلندی زیر عنوان ریاکاری، شعری دارد که من متن انگلیسی آنرا با ترجمه دری برای تان می گذارم. نسل جوان افغانستان باید بداند که بزرگترین دشمن مردم بی سوادی است و تا با یک مبارزه بزرگ ملی مردم را از این دشمن

خطرناک نجات نداده اند به اصطلاح همین شلاق زدن زن و مرد و طفل رواج خواهد داشت. این که به کسی فرصت بدهی که ترا شلاق بزند و از شلاق زدن خود از تو پول بگیرد اوج حماقت و نقاهت فکری است ولی زنی یا مردی که دیگر هیچ وسیله ندارند. طبیب شهرش تاجر است و دوا فروش شهرش دوا های تقلبی و تاریخ تیر شده را به بهای ارزان می خرد تا از جهالت مردم سوء استفاده کند و آنرا بر ایشان بفروشد، آخوند و رمال و جنگیرش نیز به زور شلاق از کیسه نادانی پول بیرون می آرند و خودشان بی سواد و نادان که به اصطلاح الف را از تیاق فرق نمی کنند. کجا برود و از که استمداد کند؟ مگر نه این است که :

از قطره تا محیط تسلی سراغ نیست

آسودگی زکشور ما رخت بسته است

فاعتبروا یا اولی ابصار. ۱۷. فبروری ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر واین است شعر رابرت برنز اسکاتلندی:



Hepocracy

A robe of seeming truth and trust

Hid crafty observation

And secret hung, with poison'd crust

The Dirk of Defamation

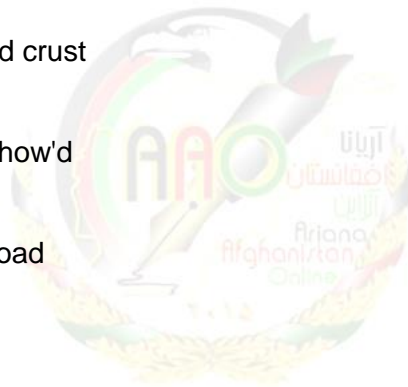
A mask that like the garget "show'd

Dye- varying, on the pigeon

And for a mantle large and broad

He wrapt him in Religion

Robert Burns



عبایی ظاهرش حق است و تقوا
ولی، پنهان در آن حيله گری ها
بُود رازی درون جامه پنهان
چو شمشیری به زهر آلوده یاران،
"به روی خود نقاب افکنده خود بین
به سان طوق قمری سخت رنگین
به دور خویشتن، این شیخ فتان
تنیده جامه ای از دین و ایمان
ترجمه: م. ا. نگارگر